

رقم	نام علامت	توضیح	ناقل
۱	نقل اهل لغت	-	رشتی / مجاهد / قزوینی
۲	اخبار عادل	-	رشتی
۳	ورود روایت از معصومین	-	رشتی
۴	اصل عدم نقل	اگر معنای حقیقی را در دوره ای می نامیم	رشتی
۵	استعمال مستمر مع وحدة المستعمل فیه	مرحوم قزوینی : این استعمال باید به همراه قرینه ای باشد مبنی بر اینکه همه این استعمالات ناشی از وضع است	رشتی / قزوینی / اصفهانی
۶	صحت اشتقاق	«أمر» حقیقت است در امر کردن و لذا می شود گفت «یأمر»	رشتی / مجاهد / قزوینی

رقم	نام علامت	توضیح	ناقل
۷	شهرت	-	رشتی
۸	قیاس	-	رشتی
۹	تبادر	-	رشتی / مجاهد / قزوینی / اصفهانی
۱۰	عدم صحت سلب	-	رشتی / قزوینی / اصفهانی
۱۱	اطراد	-	رشتی / مجاهد / قزوینی / اصفهانی
۱۲	اختلاف الجمع	اگر معنای دوم با صیغه ای جمع بسته شود غیر از صیغه ای که معنای حقیقی را جمع می بندد	رشتی / مجاهد / قزوینی / اصفهانی
۱۳	التزام التقييد	اگر معنای دوم با صیغه ای جمع بسته شود غیر از صیغه ای که معنای حقیقی را جمع می بندد	رشتی / مجاهد / قزوینی / اصفهانی

رقم	نام علامت	توضیح	ناقل
۱۴	صحت تقسیم	اگر لفظ «الف» قابل تقسیم به زن و مرد است، می فهمیم حقیقت در مفهوم انسان است	رشتی / مجاهد / قزوینی / اصفهانی
۱۵	استقراء	-	رشتی / قزوینی / اصفهانی
۱۶	قیاس	نام شراب انگور، خمر است؛ به سبب وجود اسکار در شراب سیب آن را هم حقیقه خمر می گوئیم	رشتی / قزوینی
۱۷	حسن استفهام	اگر کسی گفت چای بیاور و من پرسیدم کدام چای؟ سیاه یا سفید؟ معلوم می شود چای در هیچکدام مجاز نیست	رشتی / اصفهانی
۱۸	نسیان المعنی	نمی دانیم معنای اولیه «صلاة» متروک است یا نه؛ نسیان معنای اول، علامت مجاز بودن آن است	مجاهد
۱۹	نیازمندی به معنای اول در استعمال	مثال: به مشتری نمی توان گفت بایع إلا اینکه همراه با معنای فروشنده باشد و بگویند بیعان	مجاهد / اصفهانی

رقم	نام علامت	توضیح	ناقل
۲۰	تنصیص واضع	واضع به صراحت یا طور غیر صریح بگوید که فلان لفظ را در فلان معنی وضع کرده ام	قزوینی / اصفهانی
۲۱	تنصیص مردم آن زبان	-	قزوینی
۲۲	تنافر	اگر لفظی (اسد) در دو معنی به همراه قرینه استعمال می شود (اسدٌ یتکلم - اسدٌ یفترس) اگر یکی از دو قرینه با آنچه از لفظ به ذهن می رسد، سازگار نیست (تکلم) این تنافر علامت مجازیت معنای همراه آن است	قزوینی
۲۳	اصالة الاستعمال	این اماره در کلمات گروهی دیگر با عنوان اصالة الحقیقه شناخته می شود	قزوینی
۲۴	یک معنی داشتن لفظ	-	شیرازی

رقم	نام علامت	توضیح	ناقل
۲۵		ورود لفظ در مقام بیان بدون قرینه، در حالیکه علم به معنای آن پیدا می کنیم	اصفهانی
۲۶		نبود هیچ علاقه ای بین معانی لفظ که بتواند باعث پیدایش مجاز شود	اصفهانی
۲۷	صحت استثناء	اگر از لفظی، استثناء شد، معلوم می شود که دارای معنای عام است	اصفهانی
۲۸	اصالة الوضع برای قدر مشترک	لفظی که در دو معنا که دارای قدر مشترک هستند استعمال می شود، برای قدر مشترک وضع شده است تا : مجاز یا اشتراک لفظی لازم نیاید	اصفهانی

کلام مرحوم پروجردی پیرامون علائم حقیقت و مجاز بنا بر مبنای مرحوم اصفهانی در باب مجاز

استعمال مجازی استعمال لفظ در موضوع له است با این تفاوت که ادعا می کنیم :
مراد جدی (رجل شجاع) مصداقی از موضوع له (حیوان مفترس) است

هر استعمال مجازی ذهن، مستلزم دوم امر است :

۱. وصول ذهن به معنای موضوع له ۲. عبور از آن و رسیدن به مراد جدی

شناخت معنای حقیقی و مجازی :

- اگر ذهن از موضوع له عبور می کند ← معنا، مجازی است
- اگر ذهن از موضوع له عبور نمی کند ← معنا، حقیقی است

اشکال حضرت امام به مرحوم اصفهانی

صرفاً به دنبال علائم حقیقت و مجاز در **مقام استعمال** نیستیم!
(در جایی که مراد متکلم را می دانیم ولی نمی دانیم این معنی مراد حقیقی است یا مجازی)

بلکه این علائم، علامت هستند حتی در جایی که استعمال نباشد

بررسی نقد حضرت امام (۱)

جهت صحت در کلام امام :

این علائم، علامت هستند، حتی اگر مراد متکلم را ندانیم

بررسی نقد حضرت امام (۲)

اشکال اول :

در کلام مرحوم بروجردی، علم به مراد متکلم مطرح نیست بلکه اگر معنایی را از لفظی شنیدیم، بررسی می کنیم که :
آیا این معنی اولاً به ذهن آمده است؟ یا به واسطه ادعاء فردیت و عینیت؟

اشکال دوم :

در کلام ایشان بین استعمال در جمله و استعمال متفرد تمایز گذارده نشده است در حالی که شک در معنای «آب»، استعمال انفرادی آن در ذهن است.

۹۱ / ۷ / ۱۹

جلسه ۱۶

حقیقت و مجاز

چهارشنبه

سال سوم

اول:

تبادر

کلام مرحوم آخوند در مورد «تبادر»

نشانه **حقیقی** بودن معنای لفظ ← **تبادر** معنی از لفظ + بدون **هیچ** قرینه

علت : اگر وضع نبود، این معنی از لفظ متبادر نمی شد.

کلام مرحوم خوبی در مورد «تبادر»

چنین تبادری به کشف **انّی** کاشف از وضع است

دلالت لفظ بر معنی:

یا ناشی از **علقه ذاتیه** (= باطل) یا ناشی از **دلالت جعلی** (= صحیح)

دلالت جعلی: یا ناشی از **وضع** است یا **قرینه**

و چون مفروض عدم وجود قرینه است، پس ناشی از وضع است

شرط تبادر: از نفس لفظ باشد و نه به کمک قرینه خارجی